

## قدیمی ترین دانشگاه اسلامی در مصر و مراکش

## از آثار شیعه است

(۴)

## حادثه فسخ ودانشگاه قرویین

فرزندان امام حسن (ع) در زندانهای تاریک منصور دوانیقی که شب اذرو ز تشخیص داده نمیشد یکی پس از دیگری دارفانی را وداع میگفتند. ستمهای بنی عباس بر علویین بنهایت درجه رسیده بود، عبدالعزیز عمری فرمانداری عیاسی در مدینه نسبت به علویین بدرقاری وسختگیری رایشت رسانده بود.

این ستمها باعث شد که حسین بن علی بن الحسن المثلث بکلمک عموزاده های خود و جمعی دیگر در سال ۱۶۹ علیه ستمکاریهای بنی عباس قیام کنند. مردم مدینه با او بیعت کردند. حسین در همان سال با سیصد نفر از یاران خود که در بین آنها **ادریس و یحیی و سلیمان** فرزندان «عبدالله بن الحسن المثنی» بودند از مدینه به تون حج رهسپار مکه شدند.

در سه میلی مکه در موضع معروف به فسخ روز هشتم ذیحجه بین آنان و لشکر عباسی تلافی حاصل شد، پس از نبرد شدیدی حسین بایش از صد نفر از اصحاب واقاریش که منجمله «سلیمان ابن عبدالله» بود کشته گردیدند.

ولی دویس دیگر عبدالله (یحیی و ادریس) موفق به فرار شدند. یحیی بدیلم رفت مردم آن سامان با او بیعت کردند و چون کارش بالا گرفت هارون الرشید از در مسالمت با او درآمد و در آخر بخدعه او را کشت.

اما **ادریس** پس از فرار از واقعه فسخ بمصر رفته و از آنجا خود را بمراکش رسانید، عامل عباسی «اسحاق بن محمد» در شهر «ولیه» مقدم ادریس را گرامی داشت. و با ادریس بیعت کرد. مردم و قبائل اطراف نیز همه بیعت کردند، کم کم کار او بالا گرفت و بدینوسیله در سنه حدود ۱۷۰ دولت شیعه «ادریسیه» از نواده های امام حسن مجتبی (ع) تشکیل گردید. ادریس بدسیسه هارون مسموم شد ولی مردم آنجا با پسرش ادریس ثانی که چند ماه بعد از فوتش متولد شد بیعت کردند.

## ادریس ثانی

در هشت سالگی حافظ قرآن و در یازده سالگی در فنون جنگ ماهر و خود متکفل امور زمامداری شد. حضرت رضا (ع) درباره او فرمود: «خدای رحمت کند ادریس فرزند ادریس را که او نجیب و شجاع خاندان ماست» و چون حکومت او بالا گرفت و شهر ولیه کوچک بود لذا در سال ۱۹۳ شهر «فاس» را بنا کرد، مدارس و مساجد و بازارها در آن دایر نمود آنجا را پایتخت دولت خود قرارداد و بالاخره در دوران نواد «یحیی» **جامع القرویین** بشرحی که گفته شد بنیاد و از آن زمان این مسجد مرکز نشر علوم و معارف گردید.

بنا بر آنچه گفته شد دانشگاه قدیمی قرویین که در پایتخت دولت شیعه «ادریسیه» دایر گردید و امروز در اختیار مردم مراکش است از آثار شیعه و افتخارات دوران حکمرمائی آنان میباشد.

## تأسیس دانشگاه الازهر

حکومت «ادریسیه» در سال ۳۰۵ بدست «عبدالله المهدی» سرسلسله دولت فاطمیین (مهدویین) منقرض شد. حکومت مراکش و تونس بدست فاطمیین افتاد و این حکومت در دوران «المعز بالله» که مردی دانش دوست و معروف بحسن تدبیر بود توسعه یافت، مصر و شام و حجاز نیز در تصرف او درآمد.

سر لشکر معروف او موسوم به «جوهر الصقلی» در سال ۳۵۸ قاهره را بنا کرد و آنرا پایتخت دولت فاطمیین قرارداد و چون تمیخواست با اهل تسنن در مساجد آنها با «شاه مذهب شیعه» مبارزه کند لذا جامع «الازهر» مصر را بنام نامی بانوی اسلام «**فاطمه زهرا**» بنا کرد و آنرا مرکز تدریس و ترویج مذهب شیعه قرارداد. اهتمام زیادی به نشر آن مذهب گماشت. در خطبهها اسمی علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) را داخل کرد.

و امر نمود در همه مساجد «حی علی خیر العمل» که شعار تشیع و در زمان رسول خداممبول بود در اذان بگویند. در دوران فاطمیین جشن عید غدیر در ۱۸ ذیحجه هر سال در قاهره رسمیت پیدا کرد. روز عاشورا شعار حزین عمومی بود. دوائر و بازارها در همه مصر تعطیل بود. تدریس در جامع الازهر بر وفق مذهب شیعه ادامه داشت تا اینکه صلاح الدین ایوبی دولت فاطمی را در سال ۵۶۷ بر انداخت و شیعیان مصر و مراکش و شامات را در فشار قرارداد و اگر این سیاست خفن نبود امروز ممالک مراکش و الجزایر و تونس و مصر و شامات همه شیعه نشین بودند.

بنا بر این شهر «قاهره» و «جامع الازهر» و شهر «فاس» و «جامع القرویین» که امروز در اختیار اهل تسنن است، از آثار شیعه و افتخارات آن مذهب میباشد.

**جای بسی تاسف** - است که چندی قبل نامه‌ای از یکی شهرهای از مراکز «غیر و ن» بنجف اشرف رسید ، در آن نامه جوانان متدین و روشنفکری استدعا کرده بودند که اطلاعاتی در باره مذهب شیعه در اختیار آنان گذارده شود ! و یاد داشت کرده بودند که در بلاد ما از کتب شیعه ابداء اسم و رسم نیست ، البته کتبی جهت آنان ارسال شده و نگارنده در حدود ۱۲ صفحه مختصر اعتقادات شیعه را با اشاره ای بحوزه‌های بزرگ علمی آن مذهب و فتوای شیخ محمود شلتوت رئیس جامع الازهر در باره جواز پیروی از مذهب شیعه امامیه برشته تحریر در آورده و جهت آنها ارسال داشتم .

و ضمناً با منطبق اشاره شد که طبق روایات صحیح از صحابه اهل سنت نمیتوان فروع احکام را از غیر خاندان اهلبیت رسول خدا (ص) گرفت .

(بقیه از صفحه ۳۷)

**آلفرد - ب ، نوبل** ، دانشمند علم شیمی و مهندسی که در سال ۱۸۹۶ میلادی زندگی را بدرود گفت ، ثروت خود را وقف کرد تا یکسانیکه در زمینه فیزیک ، شیمی ، زیست شناسی یا طب ، صاحب کشف یا اختراعی مهم باشند یا بهترین آثار ادبی را بوجود آورند یا بزرگترین خدمت صلح جهانی کنند ، جایزه داده شود ، مبلغ این جایزه هادر ۸۰۰۰ دلار ، تثبیت شده است **از سال ۱۹۰۱ بعد ۲۸۳ نفر از بزرگترین دانشمندان و نویسندگان و خدمتگزاران به صلح ، جایزه نوبل را دریافت داشته اند .**

**اوقاف «گیپ»** یادگار مادر پیری است که فرزند جوان خود «گیپ» را که علاقه سرشاری بادیات فارسی داشت ، از دست داد ، وی برای آرامش خاطر خسته و ملول خود ، ثروت خویش را وقف کرد تا آثار ادبی فارسی طبع شود ، اکنون کتابهای چاپ اوقاف گیپ ، از بهترین جایهای کتب فارسی محسوب میشود ، این نمونه‌ها برای مردم متمکن و ثروتمند سرمشق بزرگی بشمار میرود .

امیدواریم در مملکت ما هم هر چه زودتر مشکل آموزش و پرورش حل شود و در این راه سرمایه‌های مادی و معنوی بکار آفتد نادر سایه آن بتوانیم بر مشکلات فائق آئیم .

## بررسی مطبوعات



## تلویزیون «به اصطلاح ملی» ایران

مادر باره استفاده از دستگاههای تلویزیونی بارها مطالبی نوشته‌ایم ، و تا کید نموده‌ایم که تلویزیون میتواند یکی از عالیترین وسیله آموزش و پرورش صحیح کشور باشد ، می‌تواند در زندگی فرهنگی و صنعتی و حتی اجتماعی همانند یک رهبر و راهنمای خوب نقش مؤثری داشته باشد . ولی متأسفانه وضع تلویزیونهای کشور ما تا کنون از هر جهت موجبات انحراف نسل کنونی و عدم رضایت مردم را فراهم آورده است و در همه قسمتهای مزبور نه تنها نقی عاید مملکت نکرده بلکه ضررها و مفسد فراوان بیار آورده است ، اخیراً **جرالد و مجلات** برای چندمین بار در باره این تلویزیون به اصطلاح ملی ، مطالبی منتشر کرده اند که بخاطر اهمیت موضوع ، قسمتهای از آن را عیناً نقل و قضاوت را بخوانندگان محترم ما گذاریم :

... تمام حرف ما بر سر این تلویزیون لعنتی تهران و بر نامه‌های مضربحال جوانان آن میباشد .

تلویزیون یگانه وسیله و اسلحه متقابل است که اگر ملی باشد و در دست دولت ، با آن میتوان بر علیه سینماهای تجاری و نمایش فیلمهای مبتذل جنائی و خلاف اخلاق و عفت عمومی ، مبارزه کرد ولی تلویزیون تجاری و خصوصی نه تنها چنین مبارزه‌ای نمیکند بخاطر جلب و جمع تماشاچی برای آگهیهای تبلیغاتی در ترویج فساد ، اسب نماها سابقه هم میدهد ! این تلویزیون ملی نیست ! عذاب دائمی و زیان عمومی است که از هر ساعتی جلوان گرفته شود پتفع اجتماع و دستگاہ است ، اینک حقایق در باره این تلویزیون ملی !

۱ - دازنده تلویزیون از سال گذشته دید حق استفاده از مفاقیتهای مالیات موضوع تصویب - نامه ۱۳۰۵ مورخ ۲۹/۵/۱۳۳۵ هیئت وزیران را در باره تلویزیون تهران ندارد و از سال گذشته باید مالیات و عوارض مربوط را پرداخت و نپرداخته است .

۲ - تلویزیون تهران مبالغ هنگفتی بابت عوارض آگهیها بشهرداری بدهکار است که نه بدهکار حاضر پرداخت است و نه طلبکار مایل به مطالبه !

۳ - تأسیس تلویزیون در آبادان اساساً مجوز قانونی ندارد و به تصویب مجلسین نرسیده است .